امتحان ... ادبیات ... هشتم ... نوبت اول ... سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲

الهی دست گیرک، دستاور بزرگ داریم، توفیق ده تا در این استوار بشویم، نگاه دا
ما پریشان نشویم.

- آب، این روح مذاب امید و زندگی، تازه نفس، جوان، زلال و پیروزمند
باگام های استوار و امیدوار شتابان می رفت تا خود را به دهان خشک زمین و
صدها کشتزار سوخته و نگاه های چشم به راه هزاران درخت تشنه برساند و رگ و
خشکیده چوبی های مزرعه و کوچه باغ های مرده را جاری گردد.

- رابطه و رفتار ما با خود، خانواده، دوستان، بسیار مهم است، چون شخصیت
ما را شکل می دهد. دوستی خوب است که گفتارش درست و رفتارش پسندیده باشد
در دلش ایمان و مهربانی موج بزند و از چهره و نگاهش امیدواری و نشاط بجوشد.
دوست خوب، کیمیا است.

- تازه یواش یواش داشتم می فهمیدم که یک قلب کوچک چقدر می تواند
بزرگ باشد. بنابراین یک شب که به یاد آن روزها و شب های خیلی سخت آن جنگ
افتادم، یک دفعه فریاد زدم: باقی قلبم را می بخشم به همه آنهایی که جلگیرند
و دشمن را از خاک ما، از سرزمین و از خانه ما انداختند بیرون.

- پدر را گفتم: از ایشان، یکی سربرنمی دارد که دوگانه ای بگزارد، چنان در
خواب غفلت برده اند که گویی نخفته اند که مرده اند.